

خلاصه کتاب

بازی نامحدود

نویسنده: سایمون سینک

خلاصه شده توسط: هانیه مجیدی

تهیه شده توسط تیم آموزشی رایینز



در بازی نامحدود هدف پیروزی نیست بلکه ادامه دادن بازی و پیشبرد چیزی فراتر از خودمان یا سازمان است و هر رهبری که آرزوی رهبری در بازی نامحدود را دارد، باید هدف والایی داشته باشد که چشم انداز مشخصی از آینده‌ای است که هنوز وجود ندارد اما افراد مشتاقانه حاضر باشند برای کمک به تحقق آن جانفشانی کنند. وقتی هدف والا وجود دارد به کارمندان دلیلی برای سر کار آمدن و رضایت خاطر می‌دهد. هدف والا نشان می‌دهد مقصد کجاست و دنیایی را توصیف می‌کند که امید داریم در آن زندگی کنیم و برای کمک به ساخت آن تلاش می‌کنیم. چون هدف والا هنوز اتفاق نیفتاده و شکل دقیق آن را نمی‌دانیم، می‌توانیم هرگونه که دلمان می‌خواهد برای ساخت آن تلاش کنیم و در طول مسیر اصلاحاتی انجام دهیم. هدف والایی که برای پیشبرد آن کار می‌کنیم همان چیزی است که به زندگی و کارمان معنی می‌بخشد و الهام بخش ما برای ادامه دادن بازی است.

برای اینکه هدف والا الهام بخش ما باشد و حتی پس از ما هم ادامه پیدا کند؛ باید ۵ ویژگی داشته باشد.

- طرفدار چیزی باشد که خوشبینانه و مثبت است.
- فراگیر باشد؛ پذیرای همه کسانی باشد که می‌خواهند در پیشبرد آن نقش داشته باشند.
- خدمت محور باشد؛ در اصل به سود دیگران باشد.
- تاب آور باشد؛ بتواند در برابر تغییر سیاسی، فناوری و فرهنگی دوام بیاورد.
- آرمانی باشد؛ بزرگ، جسورانه و دست نیافتنی باشد.
- طرفدار چیزی باشد که مثبت و خوشبینانه است.

طرفدار چیزی باشد که خوشبینانه و مثبت است.

هدف والا چیزی است که به آن باور داریم و طرفدارش هستیم، نه چیزی که با آن مخالفیم. باور داشتن یعنی احساس انگیزه و الهام بخشی داشته باشیم و از امیدواری و خوشبینی پر شویم. طرفدار چیزی بودن یعنی از همه دعوت کنیم به هدفی مشترک بپیوندند و توجهمان را بر آینده‌ای که ساخته نشده متمرکز کنیم تا تخیلمان جرقه بزند. برای نمونه به جای مخالفت با فقر، به طرفداری از حق هر انسانی برای تامین نیازهایش بپردازیم. در حالت اول دشمنی وجود دارد می‌خواهیم او را شکست دهیم و به پیروزی برسیم اما در حالت دوم هدفی به ما می‌دهد تا آن را پیش ببریم و چگونگی نگاهمان را تغییر دهیم و بر مشارکتمان تاثیرگذار است.

فراگیر باشد؛ پذیرای همه کسانی باشد که می‌خواهند در پیشبرد آن نقش داشته باشند.

انسان‌ها از عضو یک گروه بودن و حس تعلق لذت می‌برند. هدف والا دعوتی از ما برای پیوستن به دیگران جهت پیشبرد هدفی فراتر از خودمان است و به ما کمک می‌کند چشم اندازی مثبت و خاص از آینده متصور شویم و

شور و شوقی درون ما به وجود می‌آورد که ما را به سمت پیوستن به هدف سوق می‌دهد. رهبران با طرز فکر نامحدود به دنبال کارکنان، مشتریان و سرمایه‌گذارانی هستند که اشتیاق یکسانی برای آن هدف والا دارند.

خدمت محور باشد؛ در اصل به سود دیگران باشد.

هر هدف والایی باید حداقل دو گروه بخشندگان و گیرندگان را در بر بگیرد. مشارکت کنندگان چیزی می‌بخشند و گیرندگان از بخشندگی مشارکت کنندگان سود می‌برند. سود مشارکت‌ها در هدف والا باید به افرادی غیر از مشارکت کنندگان برسد یعنی سود اصلی تلاش‌ها و مشارکت‌ها به سمت افراد پایین دستی باشد. این به معنای رهبری خدمتگزار است. اهمیت بسیار زیاد خدمت محوری این است که پایگاهی از کارکنان، مشتریان و سرمایه‌گذاران وفادار می‌سازد که در همه شرایط پای سازمان می‌ایستند و به آن ماندگاری و قدرتی می‌دهند که پول از پس آن بر نمی‌آید. در این سازمان کارکنان آزادانه و مسئولانه با هدف حل مشکلات به سود سازمان کار می‌کنند.

تاب آور باشد؛ بتواند در برابر تغییر سیاسی، فرهنگی و فناوری تاب بیاورد.

در بازی نامحدود کسب و کار، هدف والا باید از محصولاتی که می‌سازیم و خدماتی که ارائه می‌دهیم بزرگتر باشد. اگر هدفمان را بر اساس محصولات تعریف کنیم؛ هر فناوری جدیدی می‌تواند کار شرکت‌مان را تمام کند. ما نیازمند چیزی هستیم که در برابر تغییر و بحران قد خم نکند و ما را در این بازی نامحدود نگه دارد. هدف باید با دوام و تاب‌آور باشد و در چهارچوب زمان ننگد.

آرامی باشد؛ بزرگ، جسورانه و در آخر اینکه دست نیافتنی باشد.

هدف والا اینگونه است که هر چقدر دستاوردی داشته باشیم، همیشه حس می‌کنیم باز هم برای ادامه مسیر جایی وجود دارد. این هدف هر چقدر با واژگان واضح‌تری بیان شود، احتمال جذب افرادی که مشتاقانه خطر پیشبرد آن را می‌پذیرند بیشتر می‌شود.

وقتی هدف‌تان را پیدا کردید آن را بنویسید. اگر این هدف را در قالب کلمات بیان نکنید، هرچه زمان بگذرد خطر اینکه آن هدف در ذهن افراد کمرنگ یا محو شود، بسیار زیاد است. هدف والایی که روی کاغذ نوشته شود، می‌تواند نسل به نسل، دست به دست شود. هدف مکتوب در حکم قطب نما است. با در اختیار داشتن آن هر کسی پس از رهبران آغازین می‌تواند ورای افق را ببیند و راحت‌تر می‌تواند فناوری‌ها، خط‌مشی‌ها و هنجارهای فرهنگی روز را بدون حضور بنیانگذار در مسیر درست هدایت کند.

فصل ۳ هدف چه هست و چه نیست؟